

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

۲۰۱۰ / ۰۴ / ۱۶

شهر اسن – المان



کرزیا ! رفتی پس کلاه خود ، یادت بخیر
تا تو بودی ، در وطن ، دار و نداری داشتیم
دار ما ، بی نظمی و ، رشوت ستانی و ترور
بی سر و سامانی ها و انتحاری داشتیم
ریش و پشم و ، پیرن و تنبان و ، کلاه و چین
دُرّه و شلاق و ضرب و ، حلقه داری داشتیم
صادرات کودکان و ، بانوان و ، خوشگلان
خدمت شیخ العرب صف صف قطاری داشتیم

همچنان تریاک و چرس و بنگ ، با عضو بدن
 از طریق رهبران ، بر هر دیاری داشتیم
 قتل و غارت کردن و ، چور و چپاول ، اختناق
 زور گوئیها ز هر ، هار و ، حماری داشتیم
 چون (خلیلی) و (محقق) لاندی و کلپوره خور
 (یونس قانونی) لشمک شعاری داشتیم
 فیل چوبی (وردک نامردک) بی عرضه گک
 از (دز طالب) ، به بی شرمی ، فراری داشتیم
 (نارشید دوستم) و (ناخرم) فرهنگ ستیز
 (اتمر) جاسوس ، پاکستان تباری داشتیم
 (صبغت الله مجدد) ننگ شورا و سنا
 بز چران و ، خردوان ، اُشتر سواری داشتیم
 استخاره گر ، یکی و چاکرانش درجی
 گرگ و کفتار و پلنگ ، بیشماری داشتیم
 گاه با ایران و ، پاکستان و چین و روسیه
 پشت پرده با همه ، تار و متاری داشتیم
 غنڈل پندیده مارشالک بینی پتق
 بهر (آی اس آی) و (کا جی بی) شکاری داشتیم
 چهره چلیپاسه گون و زشت و بدفوکس (فهمیم)
 تاجر ناموس و ننگ پخته کاری داشتیم
 دعوتش بنمود ایران ، زانکه آنجا هم یکی
 (احمدی) (بد نژاد) کفچه ماری داشتیم
 آن چل و پنج تن که اعدام و سپس هم رد مرز
 لعنت حق را به چنگاری نقاری داشتیم
 شمر و شداد و یزید ، هرگز نکردندی چنین

ظلم و بیدادی که ما ، از همجواری داشتیم
 کرزیا ! حالا بگو ، آن غیرتِ افغان چه شد
 (اکبر) و (غازی امان) بیشماری داشتیم
 لیک از سوی دگر مانند (تو) و (شاه شجاع)
 رهبرِ بی عرضه و ، هم ، بی وقاری داشتیم
 خپ خپک ، با طالبان و گلبدینِ بی حیا
 چیلک و کاغذ پران و ، چرخه تازی داشتیم
 اینهمه ، دارِ وطن بودی ، ز (حکمت مارِ غار)
 همچو شیطانِ لعین ، ابلسیاری داشتیم
 کارتکی و چک چکی ها ، من من و خروار وار
 کرگس و کلمرغ و زاغِ لاشه خواری داشتیم
 گله سگهائی ز (آی ، اس ، آی) بهرِ استخوان
 حمله ور بر شاعر و بر نامه داری داشتیم
 در لباسِ دین ظاهر بسکه ، بقالانِ دین
 وز سخنرانیِ ایشان ، ننگ و عاری داشتیم
 معنیِ مشرق و مغرب ، مشرقین و مغربین
 با جفنگِ کفر ، بر معنا ، مهاری داشتیم
 بر مغارب ، چون مشارق ، بس تفاسیرِ عجیب
 قصهٔ سرمنگسک را ، انتظاری داشتیم
 هرکه خواهد ، در زمینه ، درفشانی زین حقیر
 خدمتش حاضر ، اگرچه کار و باری داشتیم
 ذره ای از دار گفتم ، حال اندک از ندار
 زانکه غیرِ دار ، خیلی هم ، نداری داشتیم
 صلح و آرامش نبود و ، وحدت و نه امنیت
 نه به همدیگر وفا ، نه اعتباری داشتیم

آتشِ تبعیض ، می سوزاند ، مغزِ استخوان
طاقت و صبر و توان و ، نه قراری داشتیم
« نعمتا » از دارِها گفתי کفایت میکند
هفته دیگر بگو ، آنچه ، نداری داشتیم